

آداب سفر در آینه قرآن

آیاتی با صراحت یا اشاره ادب‌های مسافرت را در خود گنجانده است. مسافران، «پیش از حرکت» و «هنگام آن»، «در طول سفر»، و «در پایان آن»، باید نکته‌هایی را در نظر داشته باشند.



آیاتی با صراحت یا اشاره ادب‌های مسافرت را در خود گنجانده است. مسافران، «پیش از حرکت» و «هنگام آن»، «در طول سفر»، و «در پایان آن»، باید نکته‌هایی را در نظر داشته باشند.

علی‌محمد یزدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در یادداشتی به بررسی جوانب مختلف سفر و مسافرت، در پیش از سفر، هنگام حرکت، در طی مسافت و پس از سفر، که در قرآن مورد توجه قرار گرفته پرداخته که در ادامه از نظر خوانندگان می‌گذرد.

الف. پیش از حرکت

1. تأمین نیازمندی‌های سفر

قرآن کریم در مواردی به این مهم پرداخته است:

یک. حاجیان به برگرفتن زاد و توشه مادی و معنوی در سفر حج، ترغیب شده‌اند؛ [1] دو. فراهم آوردن ابزار جنگ، از وظایف جهادگران شمرده شده و کسانی که مدعی آمادگی برای جهاداند، اما از تهیه نیامندی‌های آن تغافل می‌کنند، سرزنش شده‌اند، [2] تنها کسانی معذور دانسته شده‌اند که خود و حکومت، هر دو از فراهم ساختن مرکب برای آنان عاجز باشند؛ [3] سه. نوح علیه‌السلام با نظارت دقیق خداوند و با وجود ریشخند کافران، به ساخت کشتی پرداخت، [4] تا در سفری دریایی، وسیله لازم را در اختیار داشته باشد؛ [5] چهار. بهره‌وری از درخت آتش‌زنه برای گرما [6] و آماده بودن پوست حیوانات برای ساخت چادرهای مسافرتی و اتاقک‌های ثابت، از نعمت‌های خدا شمرده شده است. [7]

2. رعایت اصول اخلاقی و شرعی

نمونه‌هایی از این وظیفه در آیات آمده است که عبارتند از:

یک. حق تصمیم‌گیری هر کس بر افراد تحت تکفل او، در سفرها باید محترم شمرده شود، از جمله باید از همسفر ساختن کودکان بدون اذن و رضایت پدر آنان، خودداری گردد؛ [8] دو. همسفران اگر پیشاپیش از برنامه‌های کاروان آگاه شوند، سختی راه، آنان را از تداوم بخشیدن به آن باز نخواهد داشت، موسی علیه‌السلام پیش از حرکت به سوی معلّم ناشناخته‌اش، به غلام خود گوشزد کرد که به محل برخورد دو دریا می‌رود و ممکن است مجبور شود راه دراز دیگری را در پیش گیرد، [9] به اعتراف موسی علیه‌السلام، هر دو نفر، در آن راه رنج فراوانی را متحمل شدند، [10] ولی همسفر موسی علیه‌السلام تا وصال وی به معلّم الهی خویش او را تنها نگذاشت [11]، خضر علیه‌السلام، گر چه در آغاز سفر تعلیمی خویش، از آن چه انجام خواهد داد، سخنی نگفت، ولی به موسی علیه‌السلام فهماند که شیوه استادی او، چنین اقتضایی دارد؛ [12]

سه. تلاش برای عقب نماندن همسفران از کاروان را می‌توان از داستان نوح علیه‌السلام درس گرفت، وی که گمان می‌کرد براساس وعده خداوند، فرزند وی نیز نجات خواهد یافت، با دعوت مکرر او به سوار شدن بر کشتی، نهایت تلاشش را به کار گرفت و زمانی از تلاش باز ایستاد که دانست وعده خداوند، او را شامل نمی‌شود، [13]

3. تغذیه سالم

در برخی آیات اشاره‌هایی به این نکته وجود دارد:

یک. مسافران، باید مانند عزیز علیه‌السلام، خوردنی و آشامیدنی سالم در اختیار داشته باشند، آن حضرت، پس از مرگ صد ساله‌اش، آذوقه سالم خویش را همچنان در حال سلامت مشاهده کرد؛ [14] دو. شکار آبریان و خوردن آن‌ها حتی برای مسافرانی که احرام حج بسته‌اند، مجاز شناخته شده است، تا از آن بهره‌مند گردند؛ [15] سه. موسی علیه‌السلام، گرچه در سفر به مدین، فرصت فراهم ساختن نیازمندی‌های سفر را نداشت؛ ولی با دعا به پیشگاه خداوند، از او خواست تا با تغذیه‌ای [16] که خیر او در آن است، وی را از فقر غذایی‌های بخشد؛ [17] چهار. اصحاب کهف در سفر توحیدی خویش، پس از بیداری از خواب تاریخی خود، به دنبال غذایی بودند که پاکیزه‌ترین غذا در نوع خود باشد، [18] آنان از پیش برای امکان تهیه آذوقه مطلوب، چاره‌اندیشی کرده و هزینه آن را همراه آورده بودند؛ [19] پنج. رفیق موسی علیه‌السلام در سفر تحقیقاتی آن حضرت، فراموش کردن غذایی را که همراه آورده بودند، کار شیطان دانست. [20]

4. برگزیدن زمان مناسب

این نکته را از آیاتی می‌توان استفاده کرد:

یک. موسی علیه‌السلام مأموریت یافت سفر تاریخی بنی اسرائیل را برای کوچ از مصر، شبانگاه آغاز کند تا از خطر تعقیب‌گران فرعونی در امان باشند؛ [21] دو. لوط علیه‌السلام، زمان سفر رهایی‌بخش خانواده‌اش را، به فرمان خداوند، در پاره‌ای از شب قرار داد، تا از گزند عذاب الهی، که بر اساس وعده خداوند، صبحگاهان انجام می‌گرفت، دور بمانند؛ [22] سه. معراج رسول خدا (ص)،

در شب آغاز شده و پایان یافت تا نشان منزله بودن خداوند از هر گونه ناتوانی بوده و زمینه‌ای مناسب برای مشاهده برخی از نشانه‌های الهی باشد.[23]

ب. هنگام حرکت

«یاد نعمت‌های خداوند»، «تسبیح و تنزیه او با اشاره به ناتوانی خویش از به کارگیری ابزار حمل و نقل و رام کردن مرکب‌ها»، «وابسته خواندن آن به خداوند» و «یادآوری حرکت قافله انسانی تا مرحله حضور در پیشگاه خداوند»، وظایفی است که در آغاز سفر و به هنگام سوار شدن بر مرکب، باید به آن پرداخت؛[24]

نوح علیه‌السلام فرمان یافت که پس از استقرار خود و همسفرانش در کشتی، به «حمد خداوند» بپردازد و از او بخواهد که آنان را در نقطه‌ای با برکت فرود آورد،[25] آن حضرت به همسفران خویش گوشزد کرد که روان شدن کشتی و لنگر انداختن آن تنها با نام خداوند انجام می‌پذیرد.[26] برخی از این آیه فهمیده‌اند که آن حضرت به پیروان خویش دستور داد که هنگام سوار شدن بر کشتی، جمله «بسم الله مَجْرَها و مَرْساها» را به زبان جاری سازند.[27] آن حضرت نخستین کسی است که خداوند، گفتن «بسم الله» را از او نقل کرده است.[28] مسافران دریایی، باید یاد خالصانه خداوند را به زمان سوار شدن بر کشتی، منحصر نساخته و پس از آن نیز تنها خداوند را بخوانند؛ ولی برخی از مردم، تنها در آغاز سفر، دارای آن حالت بوده و پس از رسیدن به خشکی، اخلاص خود را با شرک و ناسپاسی، ناتمام می‌گذارند.[29]

ذکرها و دعا‌های قرآنی سفر

تلاوت برخی آیات، در آغاز سفر، سفارش شده است؛ هنگام سوار شدن بر کشتی، تلاوت «بسم الله مَجْرَها و مَرْساها إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»[30] و هنگام سوار شدن بر حیوان[31] و در آغاز سفرهای زمینی،[32] تلاوت «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»[33] توصیه شده است. تلاوت حمد[34]، آیه الکرسی[35]، قدر[36]، اخلاص[37]، فلق[38]، ناس[39]، آیهی 83[40]، و آیات 190 تا 194 آل عمران[41] و آیات 22 تا 28 قصص[42] از آداب مسافرت به شمار می‌آید. از مسافران خواسته شده است که فاتحه‌الکتاب و آیه الکرسی را در حالی بخوانند که رو به مقصد ایستاده‌اند، آنگاه رو به طرف راست و چپ خویش نیز آن آیات را تلاوت کنند.[43] و در روایتی دیگر آمده که هنگام بیرون رفتن از منزل، سه مرتبه سوره اخلاص را پیش رو و یک مرتبه سمت بالا و یک مرتبه سمت پائین و آنگاه به سمت پشت سر و راست و چپ، هر یک سه مرتبه بخوانند.[44]

برخی از توصیه‌های دینی، گرچه کلی است، اما از آن رو که هنگام سفر زمینه بیشتری برای عمل به آن پدید می‌آید، بین مسافران، شایع شده است، از جمله تلاوت آیه «رَبِّ ادْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»[45]. بر اساس روایتی، امام صادق علیه‌السلام قرائت آن را به کسانی توصیه کرد که وارد محیطی هراس‌انگیز شوند.[46] ممکن است تلاوت «قَالَ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»[47] نیز از این قبیل باشد. از این که قرآن، خواندن آن را در بدرقه بنیامین، از یعقوب علیه‌السلام با تعبیری تمجیدگونه روایت کرده، می‌توان استحباب تلاوت آن را در بدرقه مسافران استفاده کرد. برخی از فقها، خواندن آیه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» را در گوش مسافر، امری سزاوار و دارای شهرت عملی می‌دانند.[48]

ج. در طی مسافت

1. مراقبت از ضعیفان

به نمونه‌هایی از این وظیفه در آیات قرآن می‌توان دست یافت:

یک. نکوهش برادران یوسف علیه‌السلام در کلام یعقوب علیه‌السلام، زمانی که از او خواستند بنیامین را همراهشان سازد تا پیمانه‌ی افزون‌تری نصیبشان گردد، برخاسته از انتظار به جای او بود که در سفر باید امین بوده و شخصی را که به آنان سپرده شده، به سلامت بازگردانند، گرچه آنان نزد یعقوب علیه‌السلام امین نبودند و به همین دلیل نکوهش شدند[49]؛ دو. موسی علیه‌السلام، در بازگشت از مدین به مصر، به امید فراهم آوردن گزارش یا گدازه‌ای از آتش برای خانواده‌اش که سخت نیازمند گرم شدن بودند، قدم در «وادی طوی» نهاد.[50]

2. برابری با همسفران

شرکت یونس علیه‌السلام در قرعه کشی، هنگامی که مسافران کشتی جز طعمه قرار دادن یک نفر برای رهایی از حمله‌ی نهنگ به کشتی، چاره‌ای پیش رو ندیدند،[51] کاری بود که آن حضرت با اختیار خویش انجام داد، تمام مسافران کشتی از جمله یونس علیه‌السلام، قرعه را پذیرفته و خطر احتمالی را به جان خریده بودند.[52]

3. همراهی سرپرست گروه با همراهان

موسی علیه‌السلام در سفر به طور سینا، از همراهان خود پیشی گرفت و به امید خشنودی خداوند،[53] شتابان خود را به میعاد رساند، خداوند از موسی علیه‌السلام خواست که توضیح دهد چرا زودتر از قومش به وعده‌گاه آمده است؟[54] این پرسش نشان می‌دهد که همراهی مدیر قافله با آنان، اصلی است که عدول از آن دلیل می‌خواهد و نباید بی‌جهت از آن دست شست. حضرت لوط علیه‌السلام نیز هنگام خروج شبانه خاندانش از منطقه‌ی عذاب، فرمان یافت که دنبال آنان حرکت کرده و مراقب کاروان باشد.[55]

4. اطمینان به یاری خداوند

قرآن با بیان حالت‌های اولیای الهی، روش پسندیده آنان را به دیگران می‌آموزد تا سرمشق خود قرار دهند. برخی آیات، از مسافرانی یاد کرده است که در اوج خطر، به یاری خداوند اطمینان داشتند، از قبیل: یک. اصحاب کهف پس از هجرت از دیار

شرک، بهره‌مندی از رحمت و مدد خداوند را به یکدیگر نوید می‌دادند؛ ولی آن را به جان‌پناه قرار دادن غار که در راستای تدبیر امور مسافرت بود، مشروط ساختند؛ [56]

دو. حضرت موسی علیه‌السلام، هنگام کوچ دادن بنی اسرائیل از مصر، آنگاه که قومش با نزدیک شدن فرعونیان، از دستگیری و اسارت بیمناک شدند، [57] با اطمینان قوی از ناکامی فرعونیان خبر داد و خدا را همراه و راهنمای خویش معرفی کرد؛ [58] سه. پیامبر اعظم (ص)، پس از پناه گرفتن در غار به همسفر خویش دل‌داری داده و او را از اندوهگین شدن بر آن چه از کف رفته، باز می‌داشت، زیرا به امدادهای الهی اطمینان داشت. [59]

5. پرهیز از همراهی یا ادامه سفر با افراد ناهماهنگ

مواردی که به این وظیفه نظر دارند، عبارتند از:

یک. خضر علیه‌السلام، آنگاه که کم صبری موسی علیه‌السلام را دریافت، از آن حضرت جدا شد و از ادامه سفر با وی سرباز زد [60]، وی گرچه از پیش به این ناهماهنگی پی برده بود، ولی تا زمانی که موسی علیه‌السلام را معذور می‌دید، از هم‌سفری با او دست نکشید، [61] دو. پیامبر اعظم (ص)، از خلوت شدن اردوی سپاهیان در معرکه‌ی تبوک، آسیب ندید؛ زیرا کسانی که از او اجازه ماندن در مدینه را گرفته بودند، اگر با سپاه او همراه می‌شدند، جز فسادانگیزی و ایجاد تشویش و اضطراب در لشکر آن حضرت، کاری نمی‌کردند، [62] آن حضرت مأموریت یافت که در سفرهای بعدی نیز از همراه بردن منافقان خودداری ورزد. [63]

6. پرهیز از سرمستی و خودنمایی و منع راه خدا

قرآن در مواردی به ادب یاد شده نظر دارد:

یک. مؤمنان به ویژه رزمندگانشان در سفرها، نباید با مشاهده نعمت‌های الهی، از خود بی‌خود شده و با ناسپاسی به سرکشی رو آورند، آنان از این که با حالت «خودبزرگ‌نمایی»، «شادی مذموم»، «تاب نعمت نداشتن»، «حیرت زدگی از نعمت فراوان»، «طغیان‌گری»، «برتری فروشی بر دیگران» و «ناخوشایند داشتن بی‌مورد»، سفر کنند، نهی شده‌اند [64]؛ دو. «خودنمایی» و «منع راه خدا» نیز اوصاف ناشایستی معرفی شده است که در سفرهای جهادی، سپاه اسلام نباید مانند دیگران خود را به آن آلوده سازند [65]؛ سه. توصیه‌ی کلی به تمام مؤمنان آن است که در زمین همچون سبک‌مغزان سرمست، گام نزنند. [66] لقمان حکیم با گوشزد کردن این نکته به فرزند خویش، از او می‌خواهد که راه رفتن میانه را برگزیند. [67]

د. پس از سفر

بخشی از آن چه در آغاز سفر بر زبان مسافر جاری می‌گردد، از همان آغاز، پایان سفر را نیز چشم‌انداز خود قرار می‌دهد. گفتن «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمَرْسَاهَا» [68] لنگر انداختن کشتی را در پایان سفر، به نام خداوند پیوند زده و تلاوت «رَبِّ انْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَانْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» [69] که فرمان خداوند به نوح علیه‌السلام و مربوط به زمان استقرار او در کشتی است، دعا برای فرود پر برکت کشتی است. بر اساس روایتی، رسول اعظم (ص) به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده است: ای علی هر گاه در منزلی فرود آمدی بگو: «اللهم انزلني مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَانْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» [70] آن حضرت نیز دیگران را به این دعا فرا خوانده بود؛ [71]

توصیه‌ی امام صادق علیه‌السلام این است که هرگاه وارد محیطی هولناک شدی، این آیه را تلاوت کن «رَبِّ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا» [72] و با مشاهده آنچه از آن هراسانی، آیه الکرسی را بخوان. [73]

این توصیه علاوه بر مسافران، شامل اقامت‌کنندگان نیز می‌باشد؛ گرچه بیشترین زمینه‌ی این گرفتاری در سفر است.

علی محمد یزدی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پی‌نوشت‌ها

1 - بقره/2، آیه‌ی 197.

2 - توبه/9، آیه‌ی 46.

3 - توبه/9، آیه‌ی 92.

4 - مؤمنون/23، آیه‌ی 27؛ هود/11، آیه‌ی 37.

5 - هود/11، آیه‌ی 41.

6 - واقعه/56، آیه‌ی 71-73.

7 - نحل/16، آیه‌ی 80.

8 - یوسف/12، آیات 12، 63، 65، 66.

9 - کهف/18، آیه‌ی 60.

10 - کهف/18، آیه‌ی 62.

11 - کهف/18، آیه‌ی 65.

12 - کهف/18، آیه‌ی 70.

13 - هود/11، آیات 42-43 و 46.

14 - بقره/2، آیه‌ی 259.

15 - مائده/5، آیه‌ی 96.

16 - البرهان، ج 3، ص 651، ح 6719؛ همان، ج 4، ص 248، همان، ص 262.

- 17 - قصص / 28، آیهی 24.
- 18 - كهف / 18، آیهی 19.
- 19 - كهف / 18، آیهی 19.
- 20 - كهف / 18، آیهی 63.
- 21 - شعراء / 26، آیهی 52؛ طه / 20، آیهی 77.
- 22 - هود / 11، آیهی 81.
- 23 - اسراء / 17، آیهی 1.
- 24 - زخرف / 43، آیهی 12-14.
- 25 - مؤمنون / 23، آیهی 28-29.
- 26 - هود / 11، آیهی 41.
- 27 - الكشاف، ج 2، ص 394؛ روح المعانی، ج 6، ص 254.
- 28 - الميزان، ج 10، ص 228.
- 29 - عنكبوت / 29، آیهی 65-66.
- 30 - هود / 11، آیهی 41؛ نور الثقلين، ج 2، ص 361، ح 105.
- 31 - بحار الانوار، ج 73، ص 295 و 297.
- 32 - همان، ص 243.
- 33 - زخرف / 43، آیهی 13-14.
- 34 - الكافی، ج 4، ص 283.
- 35 - الخصال، ص 623.
- 36 - بحار الانوار، ج 73، ص 170.
- 37 - بحار الانوار، ج 73، ص 250.
- 38 - همان.
- 39 - همان.
- 40 - مكارم الاخلاق، ص 249 و 261.
- 41 - تحف العقول، ص 113.
- 42 - بحار الانوار، ج 73، ص 230.
- 43 - الكافی، ج 4، ص 283.
- 44 - بحار الانوار، ج 73، ص 250.
- 45 - اسراء / 17، آیهی 80.
- 46 - المحاسن، ج 2، ص 367.
- 47 - يوسف / 12، آیهی 64.
- 48 - العروة الوثقی، ج 2، ص 416.
- 49 - يوسف / 12، آیهی 64.
- 50 - طه / 20، آیهی 10؛ قصص / 28، آیهی 29؛ نمل / 27، آیهی 7.
- 51 - الميزان، ج 17، ص 167.
- 52 - تقريب القرآن الى الازهان، ج 4، ص 498.
- 53 - طه / 20، آیهی 84.
- 54 - طه / 20، آیهی 83.
- 55 - حجر / 15، آیهی 65؛ روح المعانی، ج 8، ص 552.
- 56 - كهف / 18، آیهی 16.
- 57 - شعراء / 26، آیهی 61.
- 58 - شعراء / 26، آیهی 62.
- 59 - توبه / 9، آیهی 40.
- 60 - كهف / 18، آیهی 78.
- 61 - كهف / 18، آیهی 75-76.
- 62 - توبه / 9، آیهی 47.
- 63 - توبه / 9، آیهی 83.
- 64 - انفال / 8، آیهی 47.
- 65 - انفال / 8، آیهی 47.
- 66 - لقمان / 31، آیهی 18.

- 67 - لقمان / 31، آیهی 19.
- 68 - هود / 11، آیهی 41.
- 69 - مؤمنون / 23، آیهی 29.
- 70 - بحار الانوار، ج 73، ص 253.
- 71 - همان، ص 234.
- 72 - اسراء / 17، آیهی 80.
- 73 - بحار الانوار، ج 73، ص 247.